

## روسپیگری :

### امری مسلم بر تجاوز به حقوق بشر\*

ملیسا فارلی\*\*

ترجمه و تلخیص : دکتر مهدیس کامکار\*\*\*

یادداشت مترجم : این مقاله به قلم دکتر ملیسا فارلی ، عضو انجمن پژوهش و آموزش روسپی گری سان فرانسیسکو ، در ایالات متحده نوشته شده و شامل تحقیقات متعدد نویسنده و دگر محققان در این زمینه است . در پایان هرچند ، عنوانهای بیان شده در ابتدای مقاله ، منابع ، نقل قولها بصورت کامل فهرست شده است ، مترجم به دلیل کثرت منابع ذکر شده و با احترام در صیانت امانت ترجمه در هر مورد یکی دو منبع را آورده و سایر منابع را با نگارش سایرین ، درج کرده است .

روسپی گری عبارت است از : آزار و اذیت جنسی ، تجاوز جنسی ، ضرب و شتم ، توهین و ناسزا ( فحش) ، خشونت بومی (Domestic) ، روش تبعیض نژادی ، تجاوز به حقوق بشر ، سوء استفاده جنسی در کودکی ، پیامد استیلا و چیرگی مرد بر زن ، ابزاری برای بقای استیلای مرد بر زن ، تمامی موارد فوق .

صنعت تجارت جنسی عبارت است از : روسپی گری خیابانی ، روسپی خانه ، خدمات همراهی روسپها (Escot Services) ، خدمات روسپی گری تلفنی ، باشگاه برهنه شدن (Strip Clubs) ، رقصهای برهنه وار دور میله (Lap Dancing) مکالمات تلفنی جنسی ( Phone Sex ) ، هرزه پردازی کودک - بزرگسال ، هرزه پردازی ویدیویی یا ماهواره ای ، و جهانگردی روسپی گری . بیشتر زنانی که بیش از چند ماه در حرفه روسپی گری باقی می مانند ، در گردش مداوم بین انواع متعدد این بازار تجاری جنسی قرار می گیرند . تمامی انواع

\* Source : <http://www.Prostitutionreserch.com>

\*\*Mellisa Farley

\*\*\*روانپزشک

روسیبگری موجب آسیب به زنان می شود، چه اینکه زن به دست یکی از اعضای خانواده به روسپی خانه فروخته شده باشد، یا یکی از افراد خانواده و فامیل به وی تجاوز کرده باشد، چه از خانه فرار کرده و بعد دوست پسری از او سوء استفاده کرده باشد، یا زنی باشد که برای نیاز مالی و تأمین هزینه تحصیل به این کار کشیده شده باشد. چه اینکه در کلوب و باشگاههای برهنگی (برهنه شدن)، رقص برهنه، یا پشت شیشه کند، جایی که مردها در ظاهر امر او را لمس نمی کنند و ... همه این موارد روسپی گری به زنان عمیقاً صدمه می زند. زندگی روسپی گری از زندگی اغلب ما بسیار فاصله دارد و تصور ما از این قضیه درک بخش ناچیزی از موضوع می باشد: «چانه زدن بر سر قیمت با یک بیگانه، توافق، برهنه شدن ... همین تمام. لطفاً بعدی و بعدی ...»

فرو رفتن در عمق مسئله نشان زشتی بسیار آن است، حتی تصور آن چندانش آور است. (Cecilie Hoigard, et al, 1992) یک مرد وقتی که به شریک خود توهین می کند در واقع تصویر یک روسپی را یادآور می شود. تاریخچه لغوی و معنی کلمات و توهین و اتهامهایی که با ضرب و شتم و سیلی و اردنگی همراه است (توهین از ... ) حاکی از چیزی «مادون شأن»، «فاقد هرگونه حقی»، «ناچیز و حقیر»، «شریر و خبیث» است (یادداشتها مربوط به Linda Fairstein, et al, 1993).

«روسیبی» یک قربانی تمامی کارهای زشت و بدی است که مردان بر زنان روا می دارند. سوء استفاده جنسی و فیزیکی، فشار مالی و ترک و طرد ... (Mick la Salle, et al, 1995).

زنان روسپی به دلیل جذابیت ظاهری خود مثل رنگ پوست یا خصوصیات مربوط به الگوی نژادی خود، خرید و فروش می شوند. در سراسر تاریخ زنان بر اساس قومیت و نژاد خود برده یا روسپی قلمداد شده اند (Kathleen Barry, 1995).

ما معمولاً به روسپی گری به عنوان یک پدیده خشونت بومی نمی نگریم چرا که بسیار دردناک است. «مهجوریت»!، روزمرگی، گریز ناپذیری، شکنجه، تجاوز، جنایت، ضرب

و ششم، درماندگی و ناامیدی، خلأ درونی شخصیت، خاموشی سریع کورسوی امید، در تمامی زنانی که از روسپی‌گری رنج می‌کشند مشترک است (Margaret, A. Baldwin, 1992).

استیلا و برتری مردانه بدان معناست که جامعه، معدنی از روسپیگران به هر طریق ممکن به وجود می‌آورد تا مردها با هر چیزی که باید داشته باشند در اوج بمانند و احساس بزرگی، آزادی مجازی یا واقعی کنند. (Andrea Dworkin, 1997) روسپی‌گری مشابه هیچ پدیده دیگری نیست، گرچه پدیده‌های دیگر به دلیل الگویی از شرایط زنان می‌تواند مشابه روسپی‌گری باشد. (Evelino Giobbe, 1992) صنعت جنسی دقیقاً خشونت را خرید و فروش می‌کند. روشهای زیر دست و مطیع‌کردنی که طرفداران حقوق زن (فمینیستها) در تلاش برای کاهش آن از خیابانها، محل کار و تختخواب هستند (Sheila Jeffreys, 1997).

عمل روسپی‌گری در واقع عمل شیء‌سازی جنسی از زنان است. عملکردهای شش‌سازی جنسی طیفی از اعمال ضد انسانی است که موجب تحکیم هر چه بیشتر خشونت جنسی مردانه می‌شود (John Stoltenberg, 1990).

سن متوسط ورود به حرفه روسپی‌گری سیزده سالگی است. بیشتر این دختران سیزده و چهارده ساله به اجبار و به زور به روسپی‌گری کشیده شده‌اند. سایر این زنان، همسران سنتی بدون مهارتهای شغلی و حرفه‌ای هستند که یا فرار کرده‌اند یا شوهر سوء استفاده‌گر، آنها را ترک کرده است و آنها برای حمایت از خود و فرزندان‌شان به این کار کشیده شده‌اند (Denis Gamache & Evelina Giabbe, 1990).

سن ورود به روسپی‌گری در حال کاهش است. برای مثال چطور می‌توانیم حتی واژه‌ای را به عنوان «روسپی‌گری نوجوانی» تصور کنیم، وقتی که سن رضایت برای فعالیت جنسی قانونی دائماً در حال کاهش است؟ (مثل کشورهایی چون هلند و فیلیپین) (Kathleen Mahoney, 1995).

«زنا با محارم» اردوگاه آموزشی و تمرینی برای روسپی‌گری است. شیوع «زنا با محارم» در میان روسپیان چیزی بین ۶۵ تا ۹۰ درصد تخمین زده می‌شود. ۸۵ درصد روسپیان - مشتریان سابقه سوء استفاده جنسی در کودکی خود دارند، برخی ۷۰ درصد زنانی با

محارم را گزارش می‌کنند. آنانی که با روسپیان سر و کار دارند و حتی برخی گزارشهای قدیمی و بالینی، زنا با محارم را بین ۸۰ تا ۹۰ درصد گزارش کرده‌اند. آمار بالاتری از زنا با محارم و سوء استفاده جنسی در کودکی گزارش شده است (Patricia Murphy, 1993).

با ۸۰ درصد روسپیانی که در طرح تاریخ شفاهی (Whisper) مصاحبه کرده اظهار داشته‌اند، مشتریان به آنها عکسهای هرزه یا برهنه نشان می‌دهند تا به آنها بفهمانند که چه انتظارات جنسی از آنها دارند. پنجاه و دو درصد زنان اظهار می‌کنند که هرزه‌گری نقش مهمی در آموزش آنها و انتظاری که از آنها دارند داشته است. ۳۰ درصد زنان گزارش می‌کنند که با 'دازان' (Pimps) مرتباً آنها را در جریان کار هرزه‌گری قرار می‌دهند تا به آنها منظور از القا و پذیرش روشهایی که دیکته می‌شود بفهمانند. فعالیت جنسی مردانه در عمل روسپی‌گری عبارت است از: «خود ارضایی مردانه در بدن زنانه». در روسپی‌گری مردان یک فرد را نمی‌خرند، بلکه بدنی را می‌خرند که نقش یک فرد را ایفا کند و این هویت فرد یا خود (Self) است که آسیب‌زاترین و صدمه‌زننده‌ترین مفاهیم تبعیض جنسی و تبعیض نژادی از زنان را شکل می‌دهد (Kathleen Barry, 1995).

بازار روسپی‌گری را مشتریانی که متقاضی خدمات جنسی هستند به وجود می‌آورند. در جنگ جهانی دوم ارتش نظامی ژاپن صد تا دویست هزار زن کره‌ای را برای خدمات جنسی به روسپی‌گری وادار کرد. در سال ۱۹۷۴ پلیس تایلند تخمین زد که چهارصد هزار زن روسپی در تایلند در خدمت ارتش نظامی امریکا در جنگ علیه ویتنام به خدمت گرفته شدند.

در سال ۱۹۹۳ یک مقام غیر رسمی اعلام کرد که در تایلند تأمین مالی و اقتصادی بومی و ملی دو میلیون روسپی وابسته به توریسم جنسی است (جهانگردی جنسی). روسپی‌گری بزرگترین کالا و متاع سود آور برای چهار صد و پنجاه هزار مرد تایلندی و درصد بزرگی از پنج میلیون و چهارصد هزار توریستی است که هر ساله تحت عنوان تورهای جنسی (SexTours) وارد تایلند می‌شوند (Kathleen Barry 1995). واژه دقیق تر «توریسم جنسی»، «توریسم روسپی‌گری» است (Melissa Farley, 1997).

ویسپر (Whisper) با نود درصد زنان روسپی که مصاحبه کرده است تحت نظارت یا اندازان در زمان اشتغال به این کار بوده اند. پا اندازها، زنان و دختران ساده لوح، تنها، بی‌خانمان، شورشی و عصیانگر را هدف قرار می‌دهند. آنان ابتدا با توجه و محبت دروغی این افراد را متقاعد کرده و در انحصار خود در می‌آورند، و در نهایت آنان را به عنوان یک روسپی در اسارت کامل و دائمی، توهین و ناسزای کلامی و احساس مطلق بی‌ارزشی کامل (مثل توالی، یک تکه آشغال...) ضرب و شتم، خشونت و آزار فیزیکی و تهدید به شکنجه نگاه می‌دارند. هشتاد تا نود و پنج درصد این زنان تحت کنترل پا اندازها هستند (Kathleen Barry, 1995).

توصیف ضربه روسپی‌گری و پیامدهای آن از زبان یک دختر چهارده ساله چنین

است:

«احساس می‌کنی یک تکه گوشت غذا هستی، ریز ریز شده و به زور

تکه‌های وجودت در کنار هم نگه داشته شده...» (D. Kelly Weisberg, 1985).

پاسخ به این سؤال که چرا روسپیان در کنار پا اندازهایشان می‌مانند، مشابه پاسخ به این سؤال است که: چرا زنان کتک خورده در کنار افرادی که کتک شان می‌زنند باقی می‌مانند؟ (Mellisa farley, 1996)

انسان‌ها به لحاظ عاطفی تحت یک سیاست روانشناختی به نام حفظ بقا، در اسارت سوء استفاده گران خود در می‌آیند و به آنان وابسته می‌شوند. در واقع هرچه سوء استفاده بیشتر باشد فرد به سوء استفاده گر خود برای زنده ماندن وابسته تر می‌شود. به این پدیده نشانگان استکهلم (Stockholm) گفته می‌شود (Dee Graham, et al, 1994).

حدود هشتاد درصد زنان روسپی قربانی تجاوز جنسی بوده‌اند. صحبت در این باره مشکل است، چرا که خود تجربه روسپی‌گری نیز مشابه تجاوز جنسی است. افراد روسپی، به طور متوسط سالانه هشت تا ده بار مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. در واقع بزرگترین طبقه مورد تجاوز در تاریخ کره خاکی را تشکیل می‌دهند (Susan Kay Hunter, et al, 1990).

سایر مطالعات نشان می‌دهد که هشت و هشتاد تا هشتاد و پنج درصد زنان روسپی در مقطعی از زمان مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. با هفتاد و هشت تا پنجاه و پنج درصد زنانی که در سال ۱۹۹۱ مصاحبه شده‌اند، اظهار داشته‌اند سالانه به طور متوسط با اندازه‌ها شانزده بار و مشتریان سی و سه بار به آنان تجاوز کرده‌اند. گزارش دیگر حاکی از آن است که با اندازه‌ها به هشتاد و پنج درصد روسپیان تجاوز می‌کنند.

روسیگری یک عمل خشونت‌آمیز علیه زنان است، عملی که ماهیتاً آسیب‌زا و صدمه‌زننده است. در مطالعه‌ای که در مورد چهارصد و هفتاد و پنج زن یا مرد روسپی در پنج قاره (پنج کشور زامبیا، آمریکا، ترکیه، تایلند، آفریقای جنوبی) صورت گرفت، آمار زیر به دست آمد: ۶۲ درصد از تجاوز در زمان روسپی‌گری، ۷۳ درصد از حمله فیزیکی در زمان روسپی‌گری، ۷۲ درصد از بی‌خانمانی فعلی یا قبلی گزارش می‌کنند. نود و دو درصد اظهار می‌کنند که مایل به ترک فوری و آنی روسپی‌گری هستند. گزارش دیگر حاکی از آن است که هشتاد و سه درصد روسپیان قربانی حمله و یورش با سلاح هستند.

یک گزارش کانادایی از روسپی‌گری و هرزه‌گری اظهار می‌دارد که مرگ و میر زنان و دختران روسپی چهل برابر متوسط مرگ و میر ملی است. بسیاری از معضلات بهداشت و سلامت زنان روسپی نتیجه و پیامد مستقیم خشونت است، برای مثال، در ترکیه بسیاری از این زنان دچار شکستگی دنده به دست پلیس می‌شوند. زنی از سانفرانسیسکو نقل می‌کند که چون یکی از مشتریان قصد ربودن وی را داشت او از اتومبیل بیرون پرید و لگنش شکست. بسیاری از زنان به دلیل ضربات مشت مشتریان و پا اندازه‌ها دندانهای خود را از دست داده‌اند (Mellisa Farley, 2000).

در مطالعه دیگری زنی در مورد سلامتی خود می‌گوید: سه بار بازو و دو بار بینی‌ام شکسته و یک گوشم تقریباً ناشنوا است. به دلیل یک قطعه استخوان شکسته شده و شناور در سرم دچار میگرن شده‌ام، چون جمجمه‌ام شکسته است. پاهایم از بالا به پایین به مفت نمی‌ارزد. شکستگی، سوختگی متعدد با اجسام برنده و داغ، جای شکنجه‌ها هنوز باقی است. با اسلحه و چاقو تهدید شده‌ام (از هر چهار بار دو بار) و هیچ جایی در بدنم وجود ندارد که به

شکلی و به طریقی، کوچک یا بزرگ مصدوم نشده باشد (Giobbe, et al, 1992). در مطالعه ای دیگر نقل می شود که هفتاد و پنج درصد زنانی که روسپی خیابانی هستند تصمیم به خودکشی گرفته اند و اقدام کرده اند. طبق گزارش بیمارستانی، پانزده درصد خودکشیهای موفق از سوی زنان روسپی است (Susan Kay Hunter, 1993).

زنان روسپی همانند سربازان کهنه کار و قدیمی جنگی از علائم اختلال اعصاب رنج می برند، این سانحه (PTSD) یک واکنش روانشناختی به آسیب و صدمه شدید فیزیکی و روانی است. این علائم شامل اضطراب، افسردگی، بیخوابی، تحریک پذیری، پس نمسا (Flash Back)، کرخی عاطفی - هیجانی است؛ که فرد در حالتی از گوش به زنگی و هوشیاری فیزیکی و عاطفی حاد قرار دارد. شصت و هفت درصد روسپیان از پنج کشور دارای علائم (PTSD) هستند، این آمار مشابه آمار زنان کتک خورده و مورد ضرب و شتم قرار گرفته، قربانیان تجاوز جنسی و بازماندگان شکنجه حکومتی است (Melissa Farley, et al, 1998).

در اینجا نقل قولی از یک زن روسپی آورده شده است:

«من بیشتر روزهای سال ۱۹۹۲ در آپارتمانی زیبا زندگی می کردم، اتومبیلی گران قیمت را می راندم. لباسهای زیبا و مسافرتهاى خارجی گران از آن من بود. برای اولین بار در عمر بیست ساله ام به عنوان یک زن بالغ زندگی را می چرخاندم. نیازی نبود برای پرداخت کرایه خانه، هزینه آب، برق و تلفن و قرضه های نگران باشم، همه چیز ماه به ماه به راحتی پرداخت می شد. اما من در عمق وجودم بیچاره بودم. از خودم متنفر بودم، از همه زندگی و همه چیزهایی که صاحب بودم تنفر داشتم و هیچگونه ارزشی برایم نداشت. نمی توانستم با چهره ام در آینه روبرو شوم. کار کردن به عنوان یک روسپی روحم را فروخته بود (Debra Boyer, et al, 1993).»

در گذشته برای جنبش زنان مسئله حفظ بقای مادی و زندگی در کنار مردی که کتک می زند (اگرچه دلیل واقعی عقد قرارداد رضایت آمیز ازدواج نبود)، قابل درک بود. اما حالا از زنان می خواهند باور کنند که تحت لوای طرفداری از زنان (فمنیست)، انتخاب توسط صدها

مرد که تجاوز جنسی خواهند کرد، به عنوان یک راه حل واقعی برای بقای مادی قابل تصویب باشد. چون اگر زنی بخواهد می تواند این قرارداد را فسخ کند و اجباری درکار نیست...!

(Catharin, A. Mackinnor, et al, 1990).

۶۷ درصد از ۴۷۵ زن روسپی از آفریقای جنوبی، امریکا، ترکیه، زامبیا، تایلند اختلال اعصاب پس از سانحه (PTSD) را دارند، و ۹۲ درصد مایل به ترک روسپی گری هستند. ۷۰ درصد نیاز به آموزش مهارت شغلی و ۷۳ درصد نیاز به خانه یا یک مأمن امن، ۵۹ درصد نیاز به مراقبتهای بهداشتی دارند (Melissa Farley, 1998).

سایر مطالعات حاکی از آن است افرادی که می خواهند از روسپی گری فرار کنند نیازهای مشابه سایر افرادی دارند که تحت چنین شرایطی هستند. زنانی که روسپی هستند مواد مخدر نیز استفاده می کنند و تحت فشار اعصاب و شکنجه روانی بسیار شدیدتری از زنانی که سوء مصرف مواد مخدر دارند اما روسپی نیستند قرار دارند (EL Bassel, et al, 1997).

برای درک آسیب پدیده روسپیگری، لازم است راهها و روشهایی را دریابیم که در آن تبعیض نژادی امری ریشه کن ناشدنی و اجتناب ناپذیر و مرتبط با روسپی گری است (Vednita Carter, 1993).

تعداد برنامه هایی که در ارتباط با نیازهای کودکان زنان روسپی است بسیار کم است. در مطالعه اخیری که بر روی ۱۹۶۳ روسپی انجام شد، نشان داد بیش از دو سوم آنان حداقل یک کودک (فرزند) داشتند. سن متوسط کودکان دو سال بود، ۴۰ درصد آنان با مادر بزرگ، بیست درصد با مادری که روسپی گری می کند و نه درصد در مراکز سرپرستی نگه داری می شوند. پنج درصد زنان روسپی شاغل در زمان مصاحبه باردار بودند. (Adele Weiner, et al, 1996) در سال ۱۹۹۴ زنانی که در صنعت جنسی بودند، یک نفر از سه نفر بیشترین نیاز را به خدمات ویژه بهداشتی (به دلیل پیامدهای ناشی از خشونت و صدمه حاصل از حرفه شان) داشتند. در حرفه روسپی گری این تقاضاست که عرضه را به وجود می آورد. چون مردان خواهان و خریدار خدمات جنسی هستند، روسپی گری امری اجتناب ناپذیر و بنابراین بهنجار تلقی می شود. در این قسمت چندین نمونه نقل قول از مشتریان روسپی گری، آورده می شود:



« مثل اینه که ماشینت را برای تعمیر ببری، تو می‌گمی چه می‌خواهی و چیزی که می‌خواهی انجام می‌شه، آنها سؤالی نمی‌کنند. تو به آنها می‌گویی چی می‌خواهی و کار انجام می‌شه. من کاملاً معتقدم که هر زنی در یک مقطعی از زمان روسپی است ... »

مردی در هنگام بحث درباره تجربه اش در کلوبهای شبانه برهنگی می‌گوید:

« این در واقع یک قسمت از من است که می‌تواند هنوز به دنبال شکار برود. رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان با این نگرش که موجب افزایش اعتقاد مردان برای محق بودن خود در دستیابی جنسی به زنان و داشتن برتری به زنان و پروانه یورش و تعدی جنسی است (White, J. W. & Koss, M. P., 1993). »

در سال ۱۹۹۳، چهار و دو درصد از زنانی که به اتهام ارتباط با روسپی‌گری دستگیر شده بودند محکوم شدند، در حالی که تنها هشت درصد مردان در ارتباط با همین اتهام دستگیر و محکوم شدند.

اگر ما به روسپی‌گری به عنوان یک عمل وحشیانه و خشونت‌آمیز و علیه زنان نگاه کنیم به مفهوم این نیست که روسپی‌گری را قانونی یا جرم‌زدایی کنیم. اولین خشونت‌هایی که در روسپی‌گری رخ می‌دهد آنچنان که عده‌ای می‌گویند « داغ‌ننگ » اجتماعی نیست. جرم‌زدایی یا قانونی‌سازی روسپیگری بهنجار یا به قاعده ساختن رسومی است که تجاوز به حقوق بشر محسوب می‌شود. چیزی که در هر مقوله دیگری قابل رسیدگی و پیگرد قانونی است. ( همانند آزار و اذیت جنسی، یورش فیزیکی، تجاوز جنسی، اسارت، فشار و تنگنای مالی - معیشتی و صدمات عاطفی - هیجانی، توهین، ناسزا و .... ) (Melissa Farley). در سال ۱۹۹۹ پارلمان سوئد قانونی را به تصویب رساند که در آن خریداری خدمات جنسی و نه فروش آن جرم محسوب می‌شود. این کار در واقع یک پاسخ قانونی مهربانانه مداخله - گران اجتماعی به ظالمانه بودن روسپی‌گری است (Seven-Axel, Mansson, 1999).

« این جامعه است که روسپی‌گری خلق می‌کند »